

بررسی سیر تحول پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی

عاطفه فرخی کاکش^۱، علی اصغر فهیمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

^۲ دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

عاطفه فرخی کاکش

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶

چکیده

پوشاک کودکان در دوره دوم قاجار (دوره ناصرالدین شاه تا احمد شاه) تا پایان دوره پهلوی از جمله مواردی است که کمتر مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. هدف از انتخاب موضوع، بررسی و شناسایی لباس دختران در گذشته و سیر تحول آن است که کمک خواهد کرد پوشاک دختران دوره دوم قاجار تا پایان دوره پهلوی بر اساس تصاویر موجود مورد بررسی قرار گیرد. ویژگی‌های ظاهری، تناسبات ظاهری لباس کودک از جمله موارد مهمی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پوشش یا مد لباس، زبان فرهنگ یک قوم یا ملت بوده و پیام‌آور ارزش‌ها، سنن و فرهنگ هر جامعه‌ای است لذا توجه به پوشاک دختران ایرانی در این زمینه از ضروریات تحقیق است، همچنین خلاءها و کمبودهای پژوهشی در این خصوص نیز دیده می‌شود که پژوهش حاضر به واسطه این کمبود، اهمیت دارد. برای گردآوری اطلاعات روش کتابخانه‌ای (فیش‌برداری) مد نظر است. این پژوهش از نظر هدف توسعه‌ای و از نظر شیوه کیفی و با روش توصیفی صورت می‌گیرد. پژوهش این سوال را پاسخ می‌دهد که پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی چه تحولاتی داشته است. این پژوهش فرضیه‌ی (سیر تحول پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی) را اثبات می‌کند. نتایج نشان می‌دهد ارتباط ایران از نظر سیاسی و فرهنگی و اقتصادی دوره دوم قاجاریه تا پایان پهلوی با اروپا بیشترین تغییر در لباس‌های زنانه و مردانه را داشته بطوری که بر لباس کودکان نیز تاثیرگذار بوده است و طرح و سیلوئت و رنگ لباس‌های دوره دوم قاجار، کاملاً متأثر از پوشاک دوران اروپای هم عصرشان بوده است و لباس‌های دوران پهلوی نیز این ارتباطات منجر به تغییرات اساسی در فرم لباس‌های دختران داشته به طوری که برای آنها لباس پیشاهنگ و لباس‌های متحدالشکل طراحی شده است.

واژگان کلیدی: پوشاک، دختران ایرانی، دوره‌ی دوم قاجار، پهلوی اول، پهلوی دوم.

مقدمه

همزمان با آغاز سده نوزدهم میلادی، زندگی کودک ایرانی کم‌کم رو به دگرگونی نهاد و این تحول پیش درآمد تغییرات گسترده‌ای در سده بعدی شد. عامل بنیادین پدیداری هنجارهای نو در زندگی و فرهنگ کودکان آسیایی، تحول زیستی کودک فرهنگی بود (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲). برای پاسخ به پرسش: پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی چه تحولات داشته است؟ این پژوهش سیر تحول پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی را بررسی می‌کند. داده‌های پژوهش از طریق سایت‌های معتبر داخلی و خارجی جمع‌آوری شده است و یافته‌های تحقیق به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی برای شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر لباس دختران دوره دوم قاجار تا پایان دوره پهلوی انجام می‌شود. از تصاویر مربوط به کودکان در دوره دوم قاجار نشان می‌دهد لباس کودکان درباری و اشرافی قاجار از نظر مدل لباس، جنس پارچه، تزیینات، رنگ، متفاوت‌تر از پوشاک کودکان طبقات عادی است. همچنین از تصاویر مربوط به کودکان دختر دوره پهلوی می‌توان لباس‌ها را به دو دسته لباس عادی روزانه و لباس‌های اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد. که به دلیل ارتباطات بیشتر با کشورهای اروپایی تغییرات اساسی در فرم لباس‌ها ایجاد شده و منجر به ایجاد لباس‌های متحدالشکل و لباس پیشاهنگ برای دختران شده است.

بیان مسئله

از نخستین کسانی که به مقوله کودک و نیازهای او توجه کرد یحیی دولت‌آبادی است او با بخش کردن سال‌های زندگی به ۳ دوره جداگانه کودکی، جوانی و پیری، دوره اول زندگانی، از نخستین واکنش‌های کودک تا نخستین واژه‌هایی که به زبان می‌آورد و نیز از نقش مادر در پرورش او سخن گفت (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۵).

بدین سان جایگاه سنتی کودک ایرانی برای سده‌ها یکسان مانده بود، اندک اندک دگرگون شد و زندگی کودک ایرانی شتاب گرفت و جامعه به باور تازه‌ای از مفهوم ملت و شهروندی رسید که به زندگی کودکان و نوجوانان نیز تأثیر گذاشت (آتابای، ۱۳۷۷: ۲۲۱).

اندیشمندان غالباً این سیر نو شدن را ناشی از پیش نهاده‌ها و دگرگونی‌های سیاسی و یا از ادراک قاجاریان از عقب ماندگی نسبت به سایر کشورهای غربی می‌دانند که ابتدا در جنگ‌های روس و ایران در زمان فتح‌علی‌شاه آشکار گشت و ما را به سمت نوعی غرب‌گرایی متمایل ساخت که در نهایت نیز به واسطه‌ی رجال قاجار وابسته و نادان، منجر به تغییر ایران مقتدر اعصار گذشته به ایران ضعیف انتهای قاجاریه گردید (زیبا کلام، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۲).

از این‌رو نباید بدین‌گونه تصور نمود که این تغییرات تنها در اثر نوعی عدم کفایت و نوعی شیفتگی رخ داده است بلکه باید دید که چه عواملی باعث عطف توجه تمامی جهان به اروپا گردید و به ویژه دوره انقلاب صنعتی چگونه باعث شد تا این عدم موازنه اقتصادی، سیاسی و تجاری بیشتر شده و در نهایت به غلبه کامل غرب بیانجامد که پیامدهای آن در قرن بیستم به شدت مشهود بوده است (فربود، ۱۳۹۵: ۲).

سامانه سرمایه‌داری که دروازه‌های جهان را یک به یک می‌گشود، به بهبودی جایگاه کودک‌یاری بسیار رساند و دانش جدید، بهداشت و پزشکی پیشرفته را برای کودکان به همراه آورد. آنان زندگی کودکان خود را با فرنگیان می‌سنجیدند، کاستی‌ها را می‌دیدند و ناخشنود از حال و روند خود به آینده‌ای بهتر می‌اندیشیدند. همه جا از آموزش و پرورش کودکان فرهنگی سخن می‌رفت (محمدی، ۱۳۸۲: ۲۲).

در تاریخچه اکثر کشورهای غربی لباس کودکان از لحاظ شکل ظاهری به لباس بزرگسالان شباهت داشت. اما در اواخر قرن ۱۸ میلادی پیروان فیلسوف فرانسوی راش، شروع به طراحی مدل‌های لباس تغییر یافته‌ای برای کودکان کردند که این به منظور راحتی تحرک کودکان انجام شد در اواسط قرن ۱۹ اکثر جمعیت کشورهای غربی طرفداری این ایده شده بودند و بیشتر مدل‌های لباس کودکان کاملاً از مدل‌های لباس بزرگسالان تمایز یافت. در خصوص تاریخچه لباس کودک در ایران تحقیق جامعی صورت گرفته است اما با این حال با نگاهی به پوشش سنتی مردم و توجه به پوشاک کودکان ایرانی و عکس‌های موجود می‌توان به این نتیجه دست یافت که لباس کودکان تا دوره پهلوی اول کوچک شده همان لباس‌های بزرگسالان می‌باشد البته شاید با کمی تفاوت در رنگ آنها (آرون، ۱۳۹۴: ۴۴).

پیشینه تحقیق

وان دورن (۱۳۸۲) در کتاب ایران از نگاه سوریوگین، مجموعه‌ای از عکس‌های سوریوگین از، اشخاص و گروه‌های مختلف مثل: تک چهره‌هایی از دراویش، بینوایان، مساکین، کودکان، سبک زندگی روزمره در زمان قاجار جمع‌آوری کرده است. سوریوگین عکاس روسی گرچی ارمنی حاضر در ایران عصر قاجار و پهلوی بوده است و با ۵ دهه فعالیت حرفه‌ای عکاسی، یکی از بهترین شاهدان زندگی ایرانیان از دوره ناصرالدین شاه تا سلطنت رضا شاه است، بخشی از اسناد تصویری این پژوهش حاضر از عکاسی‌های سوریوگین است که به کودکان اشاره شده است. شاه آبادی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «تلاشی در شناخت تاریخ کودکی در ایران دوره قاجار» ازدواج‌های زودرس کودکان، حداقل امکانات بهداشتی و تغذیه کودک، شیوع گرسنگی و بیماری‌های واگیردار کودک، خرید و فروش کودکان که به عنوان سرمایه‌ای بر خرج کردن و کار اجباری کودکان از جمله مواردی هستند که ناچار به پذیرش تکلیف اجتماعی می‌کرد و باعث می‌شد که امکان کودکی کردن از آن‌ها سلب شود. همه این موارد باعث شد که به صراحت غیاب کودکی در دوره قاجار حس شود این غیبت تا بعد از انقلاب مشروطیت ادامه داشت. در این دوره توجه اندیشمندان جامعه به کودکان و همچنین بهبود وضعیت مالی و اقتصادی مردم، در کنار تحولات فرهنگی و اجتماعی دیگر امکان شکل‌گیری مفهوم کودکی را حداقل در میان طبقاتی از مردم و در برخی نقاط کشور فراهم آورد. سمسار (۱۳۹۳) در پژوهشی که بر روی منسوجات قدیمی ایران داشت؛ با توجه به نزدیکی این پژوهش با موضوع پوشاک کودکان قاجار؛ از دو جنبه اجتماعی و اقتصادی به تن‌پوش-های کودکان قاجار پرداخت و به این نتیجه رسیده است که کودکان در جوامع مختلف در ایران به طور کلی گروه چندان سود برده‌ای از اجتماع نبودند، چرا که تعداد مرگ و میر در میان کودکان نسبت به اقشار دیگر بیشتر بوده است و از دیدگاه اجتماعی؛ کودک یک موجود زنده بود که آینده مشخصی نداشت، پس کمتر روی آن سرمایه‌گذاری می‌شد. سمسار معتقد است تاکنون پژوهشی مستند روی پوشاک کودکان نشده و تمامی کارهای موجود حتی پژوهش‌های خود او نیز بر روی منسوجات بزرگسالان متمرکز است. مهدوی (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «نگاهی به دوران طفولیت و کودکی در ایران دوره قاجار» در مجله پیام بهارستان به تفریحات و سرگرمی‌های کودکان اشاره کرده است.

روش تحقیق

این پژوهش از آن جهت که به ویژگی‌ها و شناخت پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی می‌پردازد یافته‌های تحقیق به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به هدف شناسایی مولفه‌های تاثیرگذار بر لباس دختران دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی انجام می‌شود. تا در ادامه چرایی پوشاک دختران در ایران از دوره دوم قاجار تا پایان دوران پهلوی چه تحولاتی داشته است؟ را پاسخ دهد. برای انجام پژوهش لازم است مدل‌های لباس بزرگسالان نیز مورد توجه قرار گیرد زیرا در خصوص تاریخچه لباس کودک در ایران تحقیق جامعی صورت نگرفته است. بنابراین لازم است پوشش زنان در دوره‌های مورد نظر پژوهش مد نظر قرار گیرد و پوشاک کودکان ایرانی در کنار پوشش زنان در عکس‌های موجود در منابع معتبر استفاده گردد زیرا از روی عکس‌های موجود می‌توان به این نتیجه دست یافت که لباس کودکان از دوره قاجار تا دوره پهلوی اول کوچک شده همان لباس‌های بزرگسالان می‌باشد. بنابراین تصاویر و مطالب از طریق داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی به شیوه فیش‌برداری و تصاویر از طریق سایت‌های معتبر به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

بحث

با توجه به این که پژوهش حاضر پوشاک دختران دوره دوم قاجار را از نظر رنگ و طرح و نقش مورد بررسی قرار می‌دهد مهرآسا غیبی در کتاب *هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی* (۱۳۸۷)، پوشاک در دوره قاجاریه را به دو دسته جداگانه تقسیم می‌کند. که دوره اول که هنوز ارتباطات با دولت‌های خارجی توسعه نیافته و دوره دوم که با آمدن تجار و سیاحان اروپایی به ایران و مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا تحول چشم‌گیری در پوشاک به وجود می‌آورد (غیبی، ۱۳۹۳: ۵۱۴). بنابراین طبق این کتاب در این پژوهش دوره دوم سلطنت قاجار از سلطنت محمدشاه تا احمدشاه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دوره دوم سلطنت قاجاریه از سال (۱۲۵۰ تا ۱۳۱۳ هـ ق) در ایران و به سال میلادی در اروپا از سال (۱۸۳۶ تا ۱۹۲۵ م) می‌باشد.

عکاسی از بدو ورود به ایران به مدت بیست و پنج سال در اختیار دربار و طبقات اشرافی بوده و آن را ابزاری برای حفظ فاصله طبقاتی، برتری طلبی و فخرفروشی با سایر طبقات اجتماعی ایرانی می‌دانستند. با این حال تصاویر کودکان بویژه دختر بچه‌ها کمترین میزان عکس در این دوره را به خود اختصاص داده و بیشترین تصاویری که از این ۲۵ سال باقی مانده، تصاویر مربوط به کودکان درباری و اشرافی قاجار است نه عامه مردم (حسامی، ۱۳۹۵: ۱۰). جدول شماره ۱ نمونه‌هایی از پوشاک دختران در دوره دوم قاجار (عکس‌های کاخ گلستان) را نشان می‌دهد.

جدول ۱- پوشاک دختران در دوره دوم قاجار (عکس‌های کاخ گلستان)

ردیف	تصویر پوشاک دختران قاجار	ردیف	تصویر پوشاک دختران قاجار	ردیف	تصویر پوشاک دختران قاجار
۱		۲		۳	
ع. عصمت الدوله آ. ۳۶۲	هاجری آ. ۳۶۲	همشیره یمین الدوله آ. ۳۶۲			
۴		۵		۶	
دختران فوب نصره الدوله آ. ۱۳۳	افسرالدوله آ. ۳۶۲	تومان آغا آ. ۳۶۲			

محمدی (۱۴۰۰) درباره مدارس و پوشاک دختران در اواخر دوره قاجار می‌گوید:

«مدارس مذهبی اروپایی از دوران محمد شاه در ایران تاسیس شدند که آموزگاران ایرانی و خارجی داشتند. عکس‌های چندانی از دختران ایرانی دانش آموز این مدارس در دست نیست. در این زمان، با وجود گسترش عکاسی در ابعاد عمومی هنوز عکاسی از زنان چندان رایج نبود. محدوده‌ی عکس‌های باقی مانده از دانش‌آموزان این مدارس که شیوه‌های پوشاک و ظاهرآرایی آنان را نشان می‌دهد غالباً اثر عکاسان غیرمسلمان است و متأسفانه تاریخ و مشخصات دقیق ندارد. تصویر ۱ عکسی از "آنتوان سوروگین" است و شش تن از دختران یک مدرسه میسیونری را نشان می‌دهد که مشخص نیست از خانواده‌های مسلمان‌اند یا از اقلیت‌های مذهبی. لباس فرم این دختران پیراهن رایج در دهه ی ۱۸۹۰ میلادی در اروپا و آمریکا است، با فرم آستین معروف به "ران گوسفندی" و دامن زنگوله‌ای و پارچه‌های تیره و ساده این شکل لباس در اروپا برای دختران دانش‌آموز و آموزگاران مدارس به همین صورت تهیه می‌شد و شیوه آرایش موی دختران نیز به فرم دختران دانش‌آموز اروپایی است که موها را به سادگی شانه و در پشت گردن جمع می‌کردند» (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۰۸).

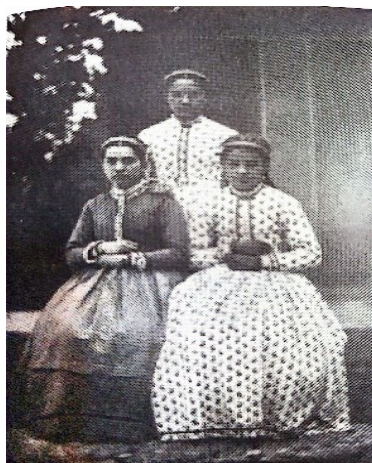


تصویر ۱- دختران دانش آموز (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۰۹)

تمایل دختران مسلمان مدرسه‌ی آمریکایی به روگشودن در سفرنامه‌ی دالمانی نیز ذکر شده است (دالمانی، ۱۳۳۵، ۲۹۳-۲۹۴). حتی نقل است که خود مظفرالدین‌شاه در ۱۳۲۰ قمری (۱۲۸۱ ش./ ۱۹۰۳ م.) برای مدت کوتاهی فرمان داد خانواده‌های مسلمان دختران‌شان را از مدرسه‌ی آمریکایی بیرون بیاورند چون در آنجا دختران پوشیدن دامن و کفش‌های پاشنه بلند را فرامی‌گیرند (بهنام، ۱۳۷۵، ۴۹). فضای آموزشی مدرن واقعاً و در عمل بر تغییر شیوه‌های پوشاک زنان مؤثر بود. تأثیرگذاری فرهنگی در واقع از اهداف غیرمستقیم اما مهم مدارس میسیونری بود. بیشتر مبلغان میسیونری اعتقاد داشتند این مدارس دروازه‌های تمدن نوین غربی را به روی دانش‌آموزان می‌گشاید و آن‌ها را از شیوه‌های زندگی خود ناراضی می‌کند و این نارضایتی به تدریج تمایل به روی‌گرداندن از وضعیت خود به سوی تمدن غربی را موجب خواهد شد (شوادران، ۱۳۵۲، ۳).

این مدارس بی‌شک در تغییر شکل لباس نسل‌های جوان و نیز پیدایش گفتمانی گسترده که در اوج دوران مشروطه‌خواهی به پرسش از الزام روگیری زنان منجر شد، نقش ایفا کردند. دختران غالباً خود پس از مدتی تحصیل در این مدارس به تغییر لباس متمایل می‌شدند، هر چند این تمایلات با هنجارهای جامعه یا خانواده‌هایشان فاصله داشت (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۱۳).

کلارا کولیوررایس در اواخر دوران قاجار می‌نویسد که دختران و زنان جوان ارمنی (تصویر شماره ۲) در خانه مثل اروپایی‌ها لباس می‌پوشیدند و در بیرون از خانه هم روبند نمی‌زدند. عین‌السلطنه نیز در خاطراتش از سال ۱۳۱۲ قمری (۱۲۷۳ ش./ ۱۸۹۴ م.) می‌نویسد که زنان یهودی در عوض روبند، پیچه می‌زنند. پیچه، نقاب کوچک مستطیلی بود که زیر چادر، با نواری به سر بسته می‌شد و بافت بسیار ظریفی از موی سیاه اسب داشت و بر خلاف قانون اتحاد شکل البسه قانون مشخصی برای حذف حجاب زنان در مجلس به تصویب نرسیده بود که جزئیات شکل لباس مفروض زنانه و گروه‌های ملزم به پوشیدن و غیره را مشخص کند. بخشنامه مذکور که در ۲۷ آذر ۱۳۱۴ به همه استان‌ها ابلاغ شده بود، اشاره‌ای به جزئیات اجرای قانون نکرده بود اما ظاهراً این جزئیات در قالب دستورالعمل‌هایی به شهربانی‌ها داده می‌شد؛ دستورالعمل‌هایی که همه زنان و دختران را، در تمام کشور بدون استثنا ملزم می‌کرد لباس تیپ اروپایی مثل پیراهن پالتو یا کت و دامن مد دهی سی اروپا بپوشند و از هیچ نوع سربندی به جز کلاه تیپ اروپایی استفاده نکنند؛ یعنی نه چادر، نه روسری و نه انواع سربندهای محلی زنانه (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۳۴).



تصویر شماره ۲- سه خواهر ارمنی با لباس اروپایی، جلفای اصفهان (محمدی، ۱۴۰۰: ۲۱۴)

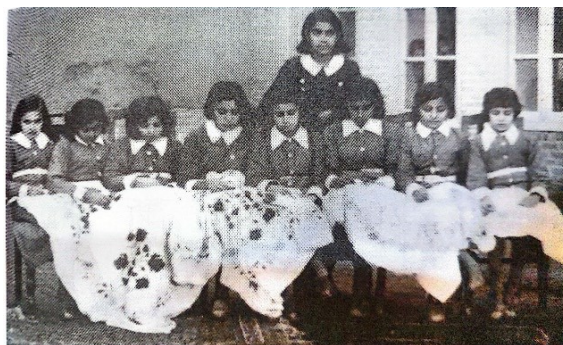
دولت پهلوی اول در باب ضرورت استفاده یونیفورم در مدارس بسیار سختگیر بود (تصویر ۳ و ۴)، نه تنها دانش آموزان بلکه معلمان نیز ملزم به پوشیدن لباس یک شکل بودند. هدف از اعمال این رویه در مدارس به روشنی از بخشنامه های رسمی وزارت معارف هویداست:

«بلااستثنا دختران دبستان ها و دبیرستان ها لباس متحدالشکل که دستور آن داده شده مرتب بپوشند، به طوری که دختران اغنیا را بر فقرا هیچگونه مجال تفاخر و خودفروشی نماند و همه به سادگی و نظافت و پاکیزگی عادت و خو نمایند. در مدرسه و خانه و کوچه و همه جا با همان لباس، که از روی کمال حجب و حیا و منتهای سلیقه انتخاب شده است، حرکت نمایند» (علی آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۳).

از این بخشنامه معلوم می شود که دولت تأکید داشت در یونیفورم مدارس علاوه بر وجه زیباشناختی، مقتضیات عرفی نیز در باب حجب و حیای دختران رعایت شود، و دست کم به لحاظ نظری، نوعی یکسانی اجتماعی و عدم نمایش تکثر طبقاتی رواج یابد. در واقع هدف از تشویق به پوشیدن این لباس در تمامی اوقات و در همه جا این بود که آداب ملازم آن از کودکی به بخشی از هویت دانش آموز بدل گردد. مدرسه اولین مرحله اجتماعی شدن افراد پس از ترک خانواده و ورود به جهان بیرونی است و به همین دلیل بهترین مکان برای القای هنجارها و ارزش های پنهان و آشکار اجتماعی به ذهن افراد است (همان).



تصویر ۳- دانش آموزان دختر با لباس پیشاهنگی (بقائیان، ۱۳۹۵: ۱۰۰)



تصویر ۴- دانش آموزان کلاس گلدوزی مدرسه دخترانه (ارض اقدس) با روپوش اُرْمک . نفر ایستاده خانم غفاریان شاگرد کلاس بالاتر و معلم کلاس حاضر، با یونیفرم، سال ۱۳۱۵ شمسی. (محمدی، ۱۴۰۰: ۱۴۸)

رضاشاه در روز ۱۷ دی ۱۳۱۴ در مراسم افتتاح دانشسرای مقدماتی دختران و اعطای دانشنامه‌های طب و قابلیت به فارغ التحصیلان به همراه همسر و دو دختر خود، حضور یافت و جوایز و دیپلم‌ها را به دست تک تک مدیران و شاگردان که همگی پیراهن بلند متحد الشکل سورمه‌ای رنگی با نشان شش‌گوش مخصوص معارف پوشیده بودند، داد (حکمت، ۱۳۵۵، ۹۶). و این اولین بار در ایران بود که مردم شاهد حضور خانواده سلطنتی با روش‌های غیرسنتی در ایران بودند. و شبیه شیوه‌های خاندان‌های سلطنتی اروپایی بود به این ترتیب رضاشاه دست به ساختن الگویی از حضور اجتماعی یک خانواده مثالی مدرن برای مردم زد (تصویر شماره ۵).



تصویر شماره ۵- همسر و دختران رضا شاه (بقائیان، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

در دوره پهلوی دوم محمدرضا شاه بعد از رضا شاه و روی کار آمدن پسرشان دوره محمدرضا پهلوی آغاز شد که هم‌زمان با جنگ جهانی دوم بود. در این دوره به مدت کوتاهی مردم آزاد بوده تا هر پوششی که می‌خواستند داشته باشند اما این زمان طولی نپایید زیرا که عده‌ای از بانوان دوباره به سمت حجاب رفته که این موضوع مغایر با برنامه‌های دولت بوده و به نشانه‌ی عقب‌ماندگی بود. اما بعد از انقلاب سفید محمدرضا شاه در دوره‌ی پهلوی پوشش اروپایی ترویج پیدا کرده و در بازار ایران دارای جایگاه شد. ایرانیان از طراحان و خیاطان فرانسوی تقلید می‌کردند، که به مرور زمان تغییرات مهمی در لباس و پوشاک در ایران به وجود آوردند (علی آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۶).

در دوره‌ی پهلوی دوم و پس از خاتمه‌ی درگیری ایران در منازعات جنگ جهانی، ارتباط سهل‌تر با دنیای غرب و به‌خصوص آمریکا، دروازه‌های فرهنگی غرب را بر ایران گشود و انواع پوشاک مد روز آن سرزمین‌ها در ایران نیز عرضه و توسط زنانی که تمایلات دینی کمتری داشتند، استفاده شد. گسترش فضاهای ارتباطی در این دوره به تنوع روزافزون پوشاک مد روز منجر شد (تصویر شماره ۶). و به تدریج، کار به جایی رسید که پوشاک رایج زنان شهری ایرانی اغلب منطبق بر الگوهای سالن‌های مد اروپا و آمریکا بود. مرور تصاویر برجا مانده از سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷، نشانگر تنوع لباس زنان در دوره‌های مختلف و متأثر از سالن‌های مد آمریکایی و لباس‌های با یقه انگلیسی بزرگ و سرشانه‌های پهن و کمرهای تنگ و چسبان، دامن‌های گشاد و چین‌دار با قد روی

زانو، پیراهن با کمرهایی تنگ و با آستین یک تکه (آستین رگلان)، دامن‌های راسته و تنگ تا زیر زانو با کت‌های تنگ و چسبان و بلند یا کوتاه و با یقه‌های آرشال، کت‌های تنگ و چسبان با دامن‌های چین‌دار پلیسه، کت و شلوار زنانه، پیراهن‌های بالاتنه کوتاه و دامن بالای زانو، دامن‌های بسیار بلند تا قوزک پا، متوسط تا ساق پا یا زانو و بسیار کوتاه، پیراهن و شلوارهای یکسره بی‌آستین و رکاب‌دار و شلوار گشاد جین و دامن‌شلواری، همچنین از انواع کیف و چکمه و شال و دستمال گرد نیز استفاده می‌شد (علی آبادی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹۶).



تصویر ۶- ورود مد به ایران (ظریفیان صالح مکر، ۱۳۸۹: ۲۰۲)

نتیجه گیری

در سال‌های اولیه حکومت ناصرالدین شاه ۱۲۴۶-۱۳۱۳ق؛ (چهارمین پادشاه قاجار) عکاسی، فنون عکاسی و عکس‌برداری به دلیل ارتباط زیاد با اروپا وارد دربار شد. به همین علت بیشترین عکس‌های باقی‌مانده از زمان قاجار مربوط به قشر اشرافی و افراد درباری است که امروزه به مقدار قابل ملاحظه‌ای در منابع مختلف از این قشر اسناد زیادی در دست است. عکس‌ها توسط ناصرالدین شاه یا کسانی که در دربار به فنون عکاسی آشنایی دارند از افراد داخل دربار گرفته می‌شد. بنابراین عکس‌های کمی از لباس‌های کودکان عامه مردم در دسترس است. پوشاک کودکان دختر اشرافی مشابه پوشاک بزرگسالان است و این شباهت در مدل لباس، جنس پارچه و حتی نوع تزیینات صدق می‌کند. اکثر پارچه‌های به کار رفته در پوشاک کودکان پارچه‌های: ترمه، مخمل، قلمکار، ماهوت می‌باشد. احتمال می‌رود بیشتر لباس‌های کودکان اشرافی دوخت صنعتی داشته و تزیینات به کار رفته در پوشاک آنها شامل انواع یراق‌دوزی‌ها، قیطان‌دوزی‌ها، و گلدوزی‌های فاخری است.

براساس تحلیل‌های انجام شده می‌توان گفت که قبا‌های این دوره یقه ندارد و در قسمت سینه کاملاً باز است و در قسمت کمر با سه دکمه بسته می‌شود. این لباس جیب‌های بزرگی دارد و در زیر دکمه‌ها از چپ به راست روی هم می‌افتد و بلندی آن متغیر بوده است. قباها در قسمت کمر برش خورده و کمری دامن‌ها چند پیلی تعبیه شده قسمت خط مرکزی جلو در سه قبا یک ردیف و در قبا‌ی دیگر دو ردیف دکمه‌خور دارد. قد این قباها در حد زانو می‌باشد قباها هم دارای آستین‌های ساده با یقه‌های انگلیسی، ایستاده، ملوانی و بدون یقه یک یا دو ردیف دکمه در جلوی قبا هستند. نمونه‌های تحلیل شده احتمالاً برگرفته از پوشاک اروپائی است. چارقد کودکان قاجار به تقلید از لباس زنان قاجار است به طوری که نسبت به لباس زنان بلند تر دیده می‌شود به گونه‌ای که قبا‌ی رویی کاملاً پوشش داده می‌شدند. شلیته‌ها گشاد و پرچین با قد کوتاه می‌باشد. جنس پارچه‌های به کار رفته شامل پارچه‌هایی مثل مخمل، ترمه، ساتن، ساتن زربفت و قلمکار می‌باشد. شلیته‌ها به صورت دامن‌های تمام کلوش گشاد و نیم کلوش و نیمه گشاد بوده‌اند.

در عکس‌های دوره پهلوی اول، لباس متحدالشکل مدارس، یونیفورم پیشاهنگی، لباس مشاغل خدمات پزشکی دیده می‌شود که تفاوت زیادی با زنان و دختران عهد قاجار دارد. یکی از نمونه‌های قابل توجه لباس پیشاهنگی در مدارس برای دختران مجسم شد. همچنین به دستور رضا شاه زنان و دختران باید لباس تیپ اروپایی مثل پیراهن پالتو یا کت و دامن بپوشند و از هیچ نوع سربندی (چادر و روسری) نباید استفاده کنند فقط مجاز به استفاده از کلاه تیپ اروپایی بودند.

در طول دوره پهلوی دوم گرایش‌های مد، روند اروپایی گرفت و طراحان لباس از فرانسه و انگلیس به ایران آمدند و لباس ایرانی را تغییر دادند به طوری که چادرها به اندازه کوچک درآمده و به روسری تبدیل شد. شلوار به جوراب شلواری تغییر کرد، شلیته‌ها و دامن‌های کوتاه به لباس‌های بلند تبدیل شدند، جلیقه، بلوز و ژاکت جانشین ارخالق شد. به جای پارچه‌هایی چون مخمل از پارچه‌هایی ساتن، کرپ، ژورژت استفاده می‌شد.

منابع و مراجع

- (۱) آتابای، بدری (۱۳۷۷)، نگاهی به گوشه هایی از تاریخ ایران. تهران: دنیای کتاب.
- (۲) بهنام، جمشید (۱۳۷۵)، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران: فرزانه روز.
- (۳) حکمت، علی اصغر (۱۳۵۵)، سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران: وحید.
- (۴) دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه فرهوشی (مترجم همایون)، تهران: امیر کبیر.
- (۵) زیباکلام، صادق (۱۳۷۷)، «سنت و مدرنیته، ریشه‌ی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار»، چاپ اول، تهران: انتشارات روزنه.
- (۶) شوادران، بنجانین (۱۳۵۲)، خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ؛ ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: فرانکلین.
- (۷) علی آبادی، دل‌آرام و همکاران (۱۴۰۰)، «بررسی عوامل موثر بر سبک پوشش بانوان ایران در قرن ۱۴ هجری شمسی با تکنیک تصمیم‌گیری MADM»، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
- (۸) غیبی، مهرآسا (۱۳۸۸)، هشت هزار سال پوشاک اقوام ایرانی، چاپ سوم تهران: انتشارات هیرمند.
- (۹) فربود، فریناز (۱۳۹۵)، «بررسی تأثیرات و پیامدهای انقلاب صنعتی اروپا بر هنر - صنعت نساجی ایران در دوره قاجار»، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- (۱۰) محمدی، محمدهادی؛ قایینی، زهره (۱۳۸۲)، تاریخ ادبیات کودکان ایران. چاپ دوم، تهران: مؤسسه پژوهشی تاریخ ادبیات کودکان.
- (۱۱) بقائیان. نازنین (۱۳۹۵)، «زمینه‌های شکل‌گیری تحول در نوع پوشش بانوان در عصر پهلوی»، کارشناسی‌ارشد رشته طراحی پارچه و لباس، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ.
- (۱۲) ظریفیان صالح؛ مکرم. رویا (۱۳۸۹)، «بررسی سیر تحول پوشاک در ایران از دوره قاجار تا پایان دوره پهلوی»، کارشناسی‌ارشد رشته پژوهش هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان.